

«رُدُّوا لِعَادُوا»

ده سال است با برنامه گنج حضور و ایات بیدارکننده مولانای جان روی خودم کار می‌کنم تا مسبب الاسباب را بشناسم و با سبب‌سازی ذهن کارافزایی نکنم، در ابتدا با من ذهنی با کلمه «رُدُّوا لِعَادُوا» مشکل داشتم ولی جدیت جناب شهبازی در تکرار این واژه مهم مقاومتم را شکست تا با تمام وجودم «رُدُّوا لِعَادُوا» را بفهمم. قرآن کریم سوره انعام آیه: ۲۷ آری احوال قیامت که تا پیش از این بر آن‌ها پوشیده بود آشکار شود و اگر بار دیگر به دنیا برگردند، باز از همان اعمال که نهی شدند، اعاده خواهند کرد.

-قرآن کریم سوره انعام آیه ۲۷ و ۲۸:
-«وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ الْإِنَارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»
-«بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لِعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»
-اگر آنها را در آن روز که در برابر آتش نگاهشان داشته‌اند بنگری، می‌گویند: ای کاش ما را بازگردانند تا آیات پروردگاران را تکذیب نکنیم و از مؤمنان باشیم.
-نه، آنچه را که از این پیش پوشیده می‌داشتند اکنون برایشان آشکار شده، اگر آنها را به دنیا بازگردانند، باز هم به همان کارها که منعشان کرده بودند باز می‌گردند. اینان دروغ‌گویانند.

حال بپردازیم به این که چگونه ما «رُدُّوا لِعَادُوا» می‌کنیم؟

ما از کودکی من ذهنی ساختیم و به سبب‌ها چسبیدیم و یاد گرفتیم با سبب‌سازی فکر و عمل کنیم و مسبب را نشناختیم و با جهل و غفلت به‌سوی جسم‌ها که روپوش هستند جذب شدیم و درد کشیدیم و خدا کردیم. این نشان بدعه‌دی ما با خداست، ولی خدای بخشنده به بدعه‌دی ما نگاه نمی‌کند، اگر او را بخوانیم ما را در آغوش رحمتش می‌گیرد و می‌گوید چه عجب که از آفرینش یاد کردی؟ ما می‌گوییم از این پس من به سر و صدای دهنم گوش نمی‌دهم و نگاه من به تو است. خدا می‌گوید رحمت من پر است و همیشه می‌خواهم به تو عنایت کنم، ولی این تو هستی که دائم «رُدُّوا لِعَادُوا» می‌کنی، یعنی با این که رحمت و برکاتم را به تو می‌دهم فراموش می‌کنی و به ذهن برمی‌گردی و دوباره سبب‌سازی می‌کنی، مانع می‌بینی و مسئله می‌سازی و درد و دشمن می‌تراشی.

تو ز طفلی چون سبب‌ها دیده‌ای
در سبب، از جهل بر چسبیده‌ای
- (مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۳)

با سبب‌ها از مسبب غافل
سوی این روپوش‌ها زان مایلی
- (مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۴)

چون سبب‌ها رفت، بر سر می‌زنی
ربنا و ربنایا می‌کنی
- (مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۵)

رب می‌گوید: برو سوی سبب
چون ز صنعم یاد کردی؟ ای عجب!
- (مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۶)

گفت: زین پس من تو را بینم همه
ننگرم سوی سبب وان دمدمه
- (مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۷)

گویدش: رُدُّوا لِعَادُوا کار توست
ای تو اندر توبه و میثاق سست
- (مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۸)

لیک من آن ننگرم، رحمت کنم
رحمتم پر است، بر رحمت تم
- (مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۹)

ننگرم عهدِ بدت، بدهم عطا
از کرم، این دم چو می خوانی مرا
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۶۰-

فیزیکی‌دانان ثابت کرده‌اند که بیشتر از ۹۹٪ بدن انسان خلاء و عدم است و تنها کمتر از ۱٪ ماده یا انرژی به صورت فرم و یا جسم است، مولانا قرن‌ها پیش این مهم را در غزلیات و قصه‌های مثنوی برای بشریت گفته‌است، ولی انسان ناسپاس است و دوباره «ردوا لِعادوا» می‌کند و به ذهن می‌رود و با استدلال و سبب‌سازی روپوشی روی حقیقت می‌کشد.
این کار را هم زندگی می‌کند تا انسان، تضادها را ببیند و به‌سوی تکامل برود. هشیاری ما در قالب ذهن اسیر است و با فضاگشایی می‌توانیم پوستهٔ تقلبی همانندگی‌ها را بشکافیم و در باغ سبز عدم فر و شکوه ایزدی را دریافت کنیم.

نی، که قلب و قالبیم در حکم اوست ؟
لحظه‌ای، مغزم کند، یک لحظه پوست

سبز گردم، چونکه گوید: کشت باش
زرد گردم، چونکه گوید: زشت باش

لحظه‌ای ماهم کند، یک دم سیاه
خود چه باشد غیر این، کارِ اله؟
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۴۶۳ تا ۲۴۶۵

مولانا می‌فرماید:

طالب است و غالب است آن کردگار
تا ز هستی‌ها برآرد او دمار
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۳۲۱۴-

این آگاهی و پیغام زندگی برای ما کافی است، تا با سبب‌سازی هستی‌سازیم و وضعیت‌های ذهنی را زود ترک کنیم.

من غلامِ آن که اندر هر رباط
خویش را واصل نداند بر سِماط

بس رِباطی که بیاید ترک کرد
تا به مسکن در رسد یک روز مرد
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۳۲۵۹ و ۳۲۶۰

-رباط : کاروانسرا

مواظب باشیم در سفر دنیا در کاروانسراهای ذهن مستقر نشیم و با حضور ناظر وضعیت‌هایی که ذهن نشان می‌دهد را ترک کنیم.
من غلام آن حضور ناظری هستم که زود زود فضاگشایی کند و در عدم مسکن گزیند تا راه را بیشتر از این غلط نرود.

جمله عالم زین غلط کردند راه
کز عدم ترسند و، آن آمد پناه
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۸۲۲)

با سپاس از برنامهٔ انسان‌ساز گنج حضور و یاران گرامی
دیبا از کرج